

بلسان پارسی ندای الهی را بشنو - این نداء در مقامی نار سدره...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۳۸۴)، صفحه ۷۱۲ -

۷۰۹

بلسان پارسی ندای الهی را بشنو

این نداء در مقامی نار سدره طور است چه که افتده مخلصین و مقربین بآن مشتعل و در مقامی کوثر حیوان از برای حیات عالم طوبی از برای نفسی که بآن فائز شد آنه یصل الی مقام لا تخوفه الجنود و لا تضعفه قدرة العالم و هنگامی نورست ساطع مقبیلین را بصراط مستقیم و نباء عظیم راه نماید و هدایت فرماید شکر کن مقصود عالمیان را در سجن اعظم ترا ذکر نموده باز کاری که خضعت لها الکتب بقدرت و قوت حق جلّ جلاله بر امر قیام نما و بروح و ریحان و حکمت و بیان غافلین را آگاه کن و گمراهان را براه راست برسان بگوای قوم قدر یوم را بدانید امروز آفتاب کرم از افق عالم مشرق و لائخ و امواج بحر بیان وجوه ادیان ظاهر خود را محروم منمائید لعمر الله ما بین ملأ اعلی جشنی ظاهر و مجلسی برپا چه که امروز مکلم طور بر عرش ظهور مستوی و کوم الله بلقا فائز و مدینه مبارکه طیبیه از آسمان نازل شمس لازال فی وسط السماء این نور را سحاب منع ننماید و کسوف اخذ نکند لازال قرش ساطع و لائخ و انهارش جاری و ساری و اشجارش باثمار لا تخصی مزین یوم فرح اکبر است طوبی للفائزین و طوبی للمخلصین و طوبی لمن اخذ بیده الیمنی کوثر البقاء و شرب بهذا الاسم الذی به فتح باب العطاء علی من فی ناسوت الانشاء و غنّ عندلیب الوفاء علی غصن البهاء الملک لله ربّ العالمین و السلطنة لله مقصود العارفين و الامر لله مالک هذا اليوم العظیم یا ایها القائم امام الوجه کبر من قبلی علی وجه من سَمی بالنبیل قبل اکبر الذی انزلنا له من قبل و من بعد و ما یكون باقیاً ببقاء سلطنة الله العزیز العظیم و این آیات را مرّة اخری نزدش قرائت نما یا نبیل علیک بهائی اسمع ما انزلناه فی لوحک مرّة اخری لتقوم علی نصره ربک بالحکمة والبیان لیس لجناحبک ان تلتفت الی قبل و بعد اذ کر الیوم و ما ظهر فیه آنه لیکفی العالمین انّ البیانات و الاشارات فی ذکر هذه المقامات تمخّذ حرارة الوجود لک ان تنطق الیوم بما تشتعل به الافئدة و تطیر اجساد المقبلین من یوقن الیوم بالخلق البدیع و یری المنیع مهیماً قیوماً علیه آنه من اهل البصر فی هذا المنظر الاکبر یشهد بذلك کلّ موقن بصیر امش بقوة الاسم الاعظم فوق العالم لترى اسرار القدم و تطالع بما اطّلع به احد ان ربک هو المؤید العظیم الخبیر کن نباضاً کالشریان فی جسد الامکان لیحدث من الحرارة المحدثّة من الحركة ما تسرع به افئدة المتوقّفين انک عاشرت معی و رأیت شمس سماء حکمتی و امواج بحر بیانی اذ تکّا خلف سبعین الف حجاب النور ان ربک هو الصادق الامین طوبی لمن فاز بفیضان هذا البحر فی ایام ربّه الفیاض الحکیم انا ینّا لک اذ تکّا فی العراق فی بیت من سَمی بالجید اسرار الخلیقة و مبدئها و منتبها و



ORIGINAL

علّتها فلها خرجنا اقتصرنا البيان بانه لا اله الا انا الغفور الكريم كن مبلغ امر الله ببيان تحدّث به النّار في الاشجار و تنطق أنّه لا اله الا انا العزيز المختار قل انّ البيان جوهر يطلب النفوذ و الاعتدال اما النّفود معلق بالطافة واللطافة منوطه بالقلوب الفارغة الصّافية و اما الاعتدال امتزاجه بالحكمة التي انزلناها في الزّبر و الالواح از حق ميطلبيم جناب مذكور عليه بهائي و عنايتي را تائيد فرمايد بر آنچه مخصوص او از سماء عنايت الهی نازل گشته امروز هيچ جامه‌ای از برای انسان احسن، انور و ابهي از جامه استقامت بر امر الله نبوده و نيست بايد بآن تمسّك نمائيد و بخدمت امر الله مشغول گرديد اين مظلوم لازال تحت خطر عظيم بوده و هست آنچه ذکر نموده و يا مينمايد مقصود ارتقاء مقام اوليا بوده و هست دنيا و آنچه در آنست نزد اهل بها معدوميست متحرّک و مفقوديست مشهود ولكن در اين ظهور اعظم عنايت و فضلش محدود نه عطا ميفرمايد آنچه را که قلم از احصاء آن عاجز و قاصر است البهاء المشرق من افق سماء عنايتي عليك و الذين ما منعهم اسياف البغضاء عن التّوجه الى الله ربّ هذا المقام العزيز المنيع ۹

بسمی القائم امام الوجوه

کتاب انزله المظلوم لمن شرب الرّحیق المختوم من يد عطاء اسمه القيوم ليجذبه البيان الى اعلى المقام يقربه الى الله مالک الوجود قل لك الحمد يا الهی بما سقيتني رحيق عرفانک و هديتني الى تجليات انوار نيّر امرک و عرفتني ما كان مکنوناً في علمک و مخزوناً في صدف عمّان حکمتک اسألك ان تجعلني مؤيداً على ذکرک و ثنائک و خدمة امرک بين خلقک بحيث لا تمنعني حجابات اهل العالم في بلادک أنّک انت المقتدر الفرد العزيز الحكيم .